

## فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران

علی اصغر فیروزجانیان<sup>۱</sup>، سهیل صادقی<sup>۲</sup>، وحید جانمحمدی لرگانی<sup>۳</sup>، طاهره لطفی<sup>۴</sup>

### چکیده

بررسی مسئله طلاق و عوامل مؤثر بر آن از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر ذهن جامعه علمی و به‌ویژه اندیشمندان اجتماعی را بسیار به خود مشغول کرده است. می‌توان گفت کمتر پدیده اجتماعی به پیچیدگی طلاق است. طلاق در ابعاد گوناگون تأثیر فزاینده‌ای بر زندگی انسان‌ها می‌گذارد. این مقاله با استفاده از مرور سیستماتیک، ۱۹ پژوهش صورت گرفته در حوزه طلاق در بازه زمانی (۱۳۹۵-۱۳۸۱) را انتخاب و مورد فرا تحلیل قرار داده است. مقاله به دو بخش اصلی تقسیم شده است. در بخش اول به ارزیابی روشی، محتوایی و ساختاری تحقیقات پرداخته شده و در بخش دوم مهم‌ترین علل و راهکارهای طلاق مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه طلاق نشان می‌دهد در سطح نظری بیشتر از نظریه‌های خرد همچون مبادله و همسان همسری استفاده شده است. همچنین در بخش عوامل مؤثر بر طلاق عواملی همچون: مداخله اقوام و اطرافیان، اعتیاد، تفاوت ارزش‌ها و عدم تفاهم (میان عوامل اجتماعی) و عواملی مانند بیکاری و مشکل امرارمعاش (در میان عوامل اقتصادی) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. راهکارهای ارائه شده نیز به چهار دسته نهادهای فرهنگی و اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و حمایتی، قانون‌گذار و نظارتی تقسیم شده است که بیشتر راهکارها متوجه جنبه‌های آموزشی و خانوادگی بوده است. می‌توان با افزایش مهارت و دانش ارتباطی بین زن و مرد، ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طلاق به‌منظور جلوگیری از اخذ تصمیمات فوری و کم کردن پدرسالاری در خانواده شاهد کاهش میزان طلاق بود.

**واژگان کلیدی:** فرا تحلیل، طلاق، عوامل اجتماعی، راهکارها.

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) - ۰۹۱۱۱۳۷۲۴۲ - a.firozjayan@umz.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه هرمزگان

۳- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

۴- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۲/۲

## مقدمه

خانواده بستر تمام شئون اجتماعی و خاستگاه افرادی است که با جسم و اندیشه‌ای سالم و پویا چرخه حیات جامعه را به گردش درآورده‌اند. خانواده نخستین نهادی است که برای پاسخگویی به نیازهای فطری بشر به‌ویژه نیاز به زندگی اجتماعی شکل گرفته است و نزدیک‌ترین و عمیق‌ترین تعامل بشر در بستر خانواده تحقق می‌یابد به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از انسان‌ها خود را بی‌نیاز از عضویت در این نهاد اولیه ندانسته و همواره تلاش کرده‌اند تا به طرق مختلف برای تحکیم پایه‌های این مجموعه انسانی راهکارهای مناسب و علمی ارائه کنند. امروزه خانواده با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است که از یکی مهم‌ترین آن‌ها طلاق و افزایش میزان آن است (اسحاقی، محبی، پروین و محمدی، ۱۳۹۱: ۹۸). طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به‌عبارت‌دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص، قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکلیفی ندارند (ریاحی، علیوردی‌نیا و کاکاوند، ۱۳۸۶: ۱۱۱). علی‌رغم سابقه تاریخی طلاق، تنها از قرن بیستم است که طلاق به‌عنوان یک آسیب و مسئله اجتماعی جدی مطرح می‌گردد. بررسی روند تاریخی پدیده طلاق در جوامع معاصر، نشانگر آن است که هرچه از نظام زمین‌داری به جامعه صنعتی و سرمایه‌داری نزدیک می‌شویم، طلاق افزایش می‌یابد. نشانه‌های تأثیر تغییر نظام اجتماعی بر طلاق را می‌توان در افزایش نرخ طلاق در کشورهای غربی ملاحظه کرد. طلاق مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را از هم می‌گسلد و در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است. طلاق، تعادل انسان‌ها را بر هم زده و آثار شومی را در جامعه بر جای می‌گذارد، منجر به کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی می‌شود و سنگ بنای اجتماع را از هم می‌گسلد. طلاق پدیده‌ای است که به تمام معنی اجتماعی است و همانند نهاد اجتماعی عمل می‌کند. زمانی که جامعه در معرض آسیب‌های بنیادی است، روابط اجتماعی بیمار و فساد گوشه‌گوشه جامعه را در بر گرفته‌است. هرچند ازدواج امری مربوط به دو فرد است، لیکن طلاق امری اجتماعی است که صدمه و زیان آن دامان جامعه را نیز فرامی‌گیرد و جامعه را از حرکت بازداشته و آن را عقیم و سترون می‌کند. طلاق روح پویایی را می‌کشد و علاقه و اشتیاق جوانان را به تشکیل خانواده سست و اعتماد اجتماعی را سلب و مخدوش می‌نماید (بیگی، ۱۳۸۸: ۱۳). به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی افزایش



پیدا می‌کند، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه را تهدید می‌کند. پژوهش‌های متعددی نشان‌دهنده آثار منفی طلاق در حوزه‌های مختلف و بخصوص در حوزه سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و حتی اجتماع است. دومینان و دیگران<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، شواهد مفصل و ارزشمندی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد از هم‌پاشیدگی زندگی مشترک، با مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های سلامتی در ارتباط است (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۵۲). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اختلافات روانی در بین افراد مجرد، بیوه، جدانشده و طلاق گرفته بیش از افراد متأهل بوده و خطر طلاق برای ایجاد افسردگی بیشتر از بیوه شدن است (ظهیرالدین و خدایی فر، ۱۳۸۲: ۲). بسیاری از تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که افراد طلاق گرفته، بیشتر از افراد متأهل دچار اختلال‌های جسمی و روحی از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی و ضعف قوای ذهنی می‌شوند و رضایت خاطر کمتری از زندگی دارند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۲). نگاهی به وضعیت طلاق در ایران نشان می‌دهد که نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر سیر صعودی داشته است بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی سازمان ثبت‌احوال در ایران در سال ۱۳۸۷ از جمعیت متأهل کشور ۱۱۰۵۱۰ نفر طلاق گرفته‌اند و این رقم در سال ۱۳۹۱ به ۱۵۰۳۲۴ نفر افزایش یافته است. نسبت ازدواج به طلاق هم طی سال‌ها متفاوت بوده است. مثلاً در سال ۱۳۸۷ این نسبت ۸ بوده که بدین معناست در مقابل هر ۸ ازدواج ثبت‌شده، یک طلاق به ثبت رسیده است. این نسبت در سال‌های بعد سیر نزولی داشته مثلاً در سال ۱۳۹۱ به ازای هر ۵.۵ ازدواج ثبت‌شده، یک طلاق به ثبت رسیده است. این اعداد نشان‌دهنده رشد میزان طلاق در کشور است. با توجه به اهمیت موضوع طلاق و روند رو به رشد آن در کشور محققان مطالعات زیادی را پیرامون عوامل مؤثر بر این پدیده و آثار و پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف انجام داده‌اند. نکته‌ای که می‌بایست بدان توجه کرد این است که مطالعات صورت گرفته پیرامون طلاق در ایران آن‌قدر متفاوت و گوناگون هستند که باعث سردرگمی خوانندگان و استفاده‌کنندگان آن می‌شود. تنوع در متغیرها و روش‌ها، تفاوت در نمونه‌ها و روش نمونه‌گیری و سایر ویژگی‌های مطالعات طلاق که یک سؤال مشترک را مورد بررسی قرار می‌دهد، غالباً نتایج ناهم‌سویی را به دست داده‌اند که نمی‌توان به پاسخ قانع‌کننده‌ای دست یافت و بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد همچنین

1. Dominion et al

با آنکه تحقیقات زیادی پیرامون مسئله طلاق انجام شده، این مسئله هنوز پابرجاست و به سیر صعودی خود ارائه می‌دهد. بنابراین برای به‌کارگیری نتایج این پژوهش‌ها و تفسیر و انتشار آن‌ها، انجام فرا تحلیل<sup>۱</sup> طلاق ضروری است و از درون این فرا تحلیل می‌توان راهکارهای مناسبی استخراج کرد. با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش فرا تحلیل در پی پاسخ به این سؤالات است که پژوهش‌های طلاق به لحاظ ویژگی عمومی، محتوایی، روشی و ساختاری چگونه‌اند؟ مهم‌ترین فرضیات تأیید شده در پژوهش‌های انجام شده کدام‌اند؟ مهم‌ترین علل و عوامل درخواست طلاق در پژوهش‌های انجام شده چیست؟ و در نهایت اینکه مهم‌ترین راهکارها و شیوه‌های کاهش طلاق چه چیزهایی است؟

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که در مورد طلاق در ایران صورت گرفته است به بررسی ابعاد مختلف مسئله طلاق اختصاص دارد. این پژوهش‌ها به بررسی علل، مفهوم‌شناسی، جنبه حقوقی و قضایی، پیامدها، راهکارها و رویکردهایی چون جمعیت‌شناسی را در بر می‌گیرد. در این قسمت ابتدا به بررسی علل طلاق در مطالعات خارجی و سپس مطالعات داخلی پرداخته می‌شود.

بررسی مطالعات خارجی نشان می‌دهند انقلاب جنسی دهه ۶۰ و تغییر الگوهای ارتباطی میان افراد و پیدایش الگوهای نوین جایگزین ازدواج، به تغییرات وسیعی در آمار ازدواج و طلاق در جوامع غربی منجر شده است. رشد فزاینده روابط پیش از ازدواج و خصوصاً هم‌بالینی در دهه ۷۰، نه تنها به افزایش سن ازدواج و کاهش میزان آن در جوامع غربی منجر شده بلکه آمار طلاق را نیز در این کشورها فزونی بخشید (ژوزه، اولری و مویر، ۲۰۱۰). همچنین اصلاحات قوانین و سیاست‌های مبتنی بر تسهیل قوانین طلاق نیز به افزایش آمار طلاق در جوامع غربی منجر شده است (گونزالز و ویتالن، ۲۰۰۹). در بسیاری از کشورهای غربی، شهرنشینی و روند فزاینده اشتغال و استقلال اقتصادی زنان موجب آسان شدن طلاق و افزایش میزان آن شده است (گوتیر، ۲۰۰۹؛ سندستروم، ۲۰۱۱). نتایج تحقیق کرامری (۲۰۰۹) در آمریکا، کینگ بین و کین (۲۰۱۰) در کشورهای غربی بالاخص توسعه‌یافته شرقی، در اکثر کشورهای آسیای شرقی (دوماراجو و جونز، ۲۰۱۱) و در ترکیه (کاواس، ۲۰۱۰) شواهدی از نتایج تحقیقات دیگران است

1. Meta- analysis



که مؤید رشد و فزونی این پدیده اجتماعی در اقصی نقاط جهان هستیم. برخی پژوهش‌های خارجی نیز به فرا تحلیل پیامدهای طلاق و آثار آن بر فرزندان پرداخته‌اند. آماتو و کیت (۱۹۹۱) در فرا تحلیلی نشان داد طلاق والدین نتایج منفی در حوزه دستاوردهای تحصیلی، رفتار، سازگاری روان‌شناختی، اعتماد به نفس و روابط اجتماعی در فرزندان دارد. همچنین پژوهش دیگری با عنوان پیامدهای جدایی والدین و طلاق بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و هیجانی فرزندان در بوستون (ماندنی، ۲۰۰۰)، نشان داد فرزندان طلاق و مادرانشان تجربه فقر را پس از طلاق احساس می‌کنند و نسبت به آینده دچار بدبینی شده بودند. همچنین فرزندان طلاق علاوه بر کاهش رفاه اجتماعی و سلامت روانی پایین، احساس انزجار و بی‌وفایی می‌نمودند. صاحب‌نظران و محققان ایرانی نیز در پژوهش‌های خود عوامل مؤثر بر طلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند. تعدادی از این پژوهش‌ها در این قسمت ارائه می‌شوند:

الف) آثاری که عوامل طلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند

(جدول شماره ۱): آثاری که عوامل طلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند

سال	نویسنده / نویسندگان	موضوع
۱۳۹۵	مدیری و رحیمی	اشتغال زنان - نشاط زناشویی و گرایش به طلاق (مورد مطالعه متأهلان شهر تهران)
۱۳۹۴	صادقی فسایی و ایثاری	مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق
۱۳۹۳	صدیقت و اسدیان	تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق
۱۳۹۳	مختاری، میر فردی و محمودی	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج
۱۳۹۲	عنایت، نجفی اصل و زارع	بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر
۱۳۹۱	اسحاقی و همکاران	سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران
۱۳۹۱	صدرالاشرفی، خنکدار طارسی، شمشانی و یوسفی افراشته	آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن
	نعیمی	تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان)

محسن زاده، نظری و عارفی	مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق	
۱۳۹۰	عوامل طلاق در استان مازندران	گتایی و نازک تبار
	بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایذه	شهوولی و رضایی فر
	بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی- اجتماعی طلاق	قدسی، بلالی و عیسی
		زاده
	عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق طی دهه اخیر مورد مطالعه استان یزد	توسلی و ندوشن
	سال‌های ۸۰-۸۶	
	بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران	هنریان و یونسی
	بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز	غیائی، معین و روستا
	بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷	مشکی، شاه قاسمی، دلشاد نوقانی و مسلم
۱۳۸۹	تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان	دهاقانی و نظری
	تأثیر سواد شهرنشینی هزینه خانوار و درآمد و توزیع آن بر نرخ طلاق در ایران	موسایی، مهرگان و گرشاسبی فخر
	عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت	فخرایی و حکمت
۱۳۸۶	بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان	زرگر و نشاط دوست
	بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود	کاملی
۱۳۸۴	عوامل مؤثر در طلاق برحسب طبقه اجتماعی مورد: شهر تهران	آقاجانی مرسا
	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق زوجین متقاضی طلاق شهرستان ساری سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۹	کلدی، صدرالسادات و تقی پور
۱۳۸۳	بررسی برخی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی شهر تبریز طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹	کلدی و شعبانی
	علل کاهش ازدواج و افزایش میزان طلاق	بازنشسته و جاویدان
۱۳۸۱	بررسی علل طلاق در شهر گناباد	ریحانی و عجم
۱۳۷۹	بررسی مقدماتی عوامل مؤثر بر طلاق و راه‌های پیش‌گیری از آن	سپهریان
	بررسی علل طلاق در استان خراسان	رحیمی



ب) آثاری که پیامدهای طلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند.

(جدول شماره ۲): آثاری که پیامدهای طلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند

نویسنده / نویسندگان	سال	عنوان
اخوان تفتی	۱۳۸۲	پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن
کلانتری، روشن‌فکر و جواهری	۱۳۹۰	آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام‌مند تحقیقات انجام‌شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۷۶-۱۳۹۰)

ج) آثاری که با رویکردهای (حقوقی، اقتصادی و روان‌شناسی) به بررسی طلاق پرداخته‌اند.  
(جدول شماره ۳): آثاری که رویکردهای (حقوقی، اقتصادی و روان‌شناسی) به بررسی طلاق پرداخته‌اند

سال	نویسنده / نویسندگان	موضوع	رویکرد
۱۳۹۲	رقیبی و قره‌چاهی	بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار	روان‌شناسی و مشاوره
۱۳۸۹	اسدی عیسی زاده، بلالی و قدسی	تصمیمات نهایی دادگاه در طلاق و آثار ناشی از آن بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۴۵-۱۳۸۵	حقوقی اقتصادی
۱۳۸۸	حبیبی تبار	طلاق و لایحه حمایت خانواده	حقوقی
۱۳۸۷	یزدخواستی، منصور، زاده محمدی و احمدآبادی افشار، مسائلی، برکتین و کیانی	بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق در شهرهای اصفهان و اراک فراوانی نسبی اختلالات طیف دوقطبی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر اصفهان و رابطه آن با برخی از ویژگی‌های جمعیت شناختی	روان‌شناسی
۱۳۸۵	شکرکن، خجسته مهر، عطاری، حقیقی و شهینی ییلاق	بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز	روان‌شناسی
۱۳۸۴	ادیب راد و ادیب راد	بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دل‌زدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک	روان‌شناسی

## (جدول شماره ۴): آثاری که به صورت فرا تحلیل به مسئله طلاق پرداخته‌اند

سال	نویسنده / نویسندگان	موضوع
۱۳۹۴	یحیی زاده و حامد	مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فرا تحلیل مقالات موجود
۱۳۹۲	اسماعیل زاده، سلطانی، فیضی، نو فرستی، معین الغریابی و اناری	فرا تحلیل تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق در طول سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۸
	کاظمی پور و خوشنویس	فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه سطح، روند و تعیین کننده‌های طلاق در ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

## روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، فراتحلیل است. گلاس برای اولین بار، واژه فراتحلیل برای اشاره به یک فلسفه بکار برد نه به عنوان یک تکنیک آماری، گلاس استدلال می‌کرد که مرور ادبیات پژوهش درباره هر موضوعی بایستی به همان اندازه سیستماتیک و نظام‌دار صورت گیرد که در پژوهش اولیه صورت می‌گیرد و بایستی نتایج پژوهش‌های انفرادی را در زمینه توزیع یافته‌ها به بخشی از آن به وسیله ویژگی‌های آن پژوهش و بخشی دیگر به صورت تصادفی تعیین می‌شوند، تفسیر کند. از زمان انتشار کتاب فرا تحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و روش‌های آماری در فراتحلیل در اوایل ۱۹۸۰ روش فرا تحلیل یک پذیرش عمومی در مجامع علمی پیدا کرد و به عنوان یک رویکرد روش‌شناسی ارجح در مرور کمی مطالعات پژوهشی در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری گسترش پیدا کرد. به طوری که جست‌وجوی کلی واژه فرا تحلیل در سایت مرکز اطلاعاتی منابع تعلیم و تربیت (Eric) بین سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ بیش از ۱۰۰۰ مورد مقاله پژوهشی در مجلات و کنفرانس‌های مختلف با این عنوان نشان داد (ایزانلو و حبیبی، ۱۳۸۹: ۷۱).

در فراتحلیل، پژوهشگر نتایج تحقیقات مختلف و متعدد را با هم ترکیب کرده و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. در تحقیق فراتحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قاب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند (دلاور، ۱۳۸۴). در این نوع پژوهش پژوهشگر به ارزشیابی آن دسته از پژوهش‌های گذشته می‌پردازد که سؤال پژوهشی مشترکی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. با





انجام این گونه پژوهش‌ها علاوه بر بهره‌مند شدن از دستاوردهای آن‌ها می‌توان عملکرد نظام پژوهشی کشور را در هر حوزه علمی و در هر موضوع خاص مورد ارزیابی قرار داد (زاهدی و محمدی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۳). در این تحقیق نیز هدف بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق در ایران است. در این پژوهش گزارش‌های متعدد بر اساس موضوعات مورد مطالعه دسته‌بندی و روش‌های به کار گرفته شده بررسی و یافته‌های این تحقیقات دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند.

### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق، شامل تحقیقات انجام گرفته در مورد علل طلاق در محدوده زمانی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۹۵) است. در جریان اجرای این مطالعه، کلیدواژه طلاق، در مرکز داده‌های پایگاه اطلاعات علمی<sup>۱</sup>، بانک نشریات و مجلات ایرانی<sup>۲</sup>، پرتال جامع علوم انسانی<sup>۳</sup> و پایگاه مجلات تخصصی نور<sup>۴</sup> جست‌وجو شد. بر اساس نتایج جست‌وجوی اولیه و بررسی چکیده تحقیقات و مشخص شدن ارتباط و تناسب مقالات با موضوع، تعداد ۱۹ مقاله که به بررسی موضوع علت طلاق در استان‌های مختلف ایران پرداخته‌اند برای انجام فراتحلیل و استخراج اطلاعات انتخاب گردیدند.

### ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در فرا تحلیل پرسشنامه معکوس است که بر اساس سؤال‌های اساسی در حیطه مورد بررسی طرح می‌گردد. در این تحقیق از پرسشنامه حاوی سؤالات مختلف از بخش‌های تحقیق (شامل ویژگی عمومی اثر، ویژگی محتوایی، روشی و ساختاری) برای ارزیابی تحقیقات استفاده شده است. پس از انجام ارزیابی تحقیقات، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

### نتایج پژوهش

الف) بررسی پژوهش‌ها به لحاظ ویژگی عمومی، محتوایی، روشی و ساختاری

1. Sid

2. Mag iran

3. Ensani

4. Noormags

## ۱. ویژگی‌های عمومی آثار وارد شده به فرا تحلیل

آثاری که در جدول شماره ۵ آورده شده است تحقیقاتی است که طی سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۸۱) نگاشته شده است. از مجموع ۱۹ مقاله مورد بررسی تعداد ۹ مقاله به صورت مستقیم در عنوان تحقیق اصطلاح عوامل اجتماعی و جامعه‌شناختی را آورده‌اند. در بقیه مقالات نیز عوامل اجتماعی و فرهنگی طلاق از متغیرهای مهمی بوده که مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین دو تحقیق برگرفته از طرح‌های پژوهشی است. در بررسی جنسیت مؤلفان پژوهش‌های مورد مطالعه، مشخص شد که ۶۸ درصد محققان را مردان و ۳۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. تحقیقاتی که بیش از یک مؤلف داشتند نام نویسنده مسئول ملاک قرار گرفته است. شهرهای مورد بررسی در آثار وارد شده به فرا تحلیل را می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد: (۱) کل کشور با ۱۰.۵۲ درصد. (۲) شهر تهران با ۱۵.۷۸ درصد و بقیه شهرها و شهرستان‌ها با ۷۸.۹۴ درصد. نمونه‌های مورد بررسی هم شامل بررسی زوجین با ۵۲.۶۳ درصد، اسناد با ۲۱.۰۵ درصد، زنان و مردان جدا شده با ۱۰.۵۴ درصد و زنان با ۱۵.۷۸ درصد است.

(جدول شماره ۵): ویژگی عمومی آثار وارد شده به فرا تحلیل

موضوع	نمونه بررسی	شهر	سال	نویسنده/نویسندگان
مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق	مطلقه‌ها	تهران	۱۳۹۴	فسایی و ایثاری
بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج	متاهلین	یاسوج	۱۳۹۳	مختاری و همکاران
بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر	زوجین و مطلقه‌ها	بوشهر	۱۳۹۲	عنایت و همکاران
سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران	زنان	تهران	۱۳۹۱	اسحاقی و همکاران
بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران	زوجین	تهران	۱۳۹۰	هنریان و یونسی



توسلی و ندوشن	۱۳۹۰	یزد	زنان و مردان	عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق طی دهه اخیر مورد مطالعه استان یزد
			جداشده	سال‌های ۸۰-۸۶
قدسی و همکاران	۱۳۹۰	کل کشور	اسناد	بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی-اجتماعی طلاق
گنابی و نازک تبار	۱۳۹۰	مازندران	اسناد	عوامل طلاق در استان مازندران
نعیمی	۱۳۹۰	گرگان	زوجین	تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان)
غیاثی و همکاران	۱۳۸۹	شیراز	زنان	بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز
دهاقانی و نظری	۱۳۸۹	اصفهان	زوجین	تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان
فخرایی و حکمت	۱۳۸۹	سردشت	زنان	عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت
کاملی	۱۳۸۶	تهران	اسناد	بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود
ریاحی و همکاران	۱۳۸۶	کرمانشاه	زوجین	تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)
زرگر و نشاط دوست	۱۳۸۶	فلاورجان	زوجین	بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان
شکرکن و همکاران	۱۳۸۵	اهواز	زوجین	بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های

دل‌بستگی و ویژگی‌های جمعیت  
شناختی به‌عنوان پیش‌بین‌های موفقیت  
و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های  
متقاضی طلاق و عادی در اهواز

عوامل مؤثر در طلاق برحسب طبقه اجتماعی مورد: شهر تهران	زوجین	تهران	۱۳۸۴	آقاجانی مرسا
بررسی برخی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی شهر تبریز طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹	زوجین	تبریز	۱۳۸۳	کلدی و شعبانی
بررسی علل طلاق در شهر گناباد	زوجین	گناباد	۱۳۸۱	ریحانی و عجم

یافته‌ها و مندرجات در جدول ۶ حاکی از آن است آثار واردشده به فرا تحلیل از نظر ویژگی‌های  
عمومی خوب ارزیابی شده است.

(جدول شماره ۶): توزیع نسبی ارزیابی ویژگی‌های عمومی روش در آثار واردشده به فرا تحلیل

عنوان ارزیابی	نوع ارزیابی		
	ضعیف	متوسط	خوب
میزان رعایت اصول ویرایشی	۰	۳۳.۳	۶۶.۷
میزان رعایت اصول فهرست‌نویسی	۰	۳۸.۹	۶۱.۱
میزان رعایت ماخذگذاری و ارجاع دهی در نقل قول‌ها	۵.۶	۳۳.۳	۶۱.۱
میزان برخورداری اثر از توازن لازم به لحاظ فصول و بخش‌های مختلف	۱۶.۷	۳۸.۹	۴۴.۴

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌ها ۴۲.۱ درصد به‌صورت دونفره انجام شده است.  
در مرتبه بعدی پژوهش بیش از دو نفر وجود دارد.



(جدول شماره ۷): توزیع نسبی ارزیابی اثر به لحاظ تعداد نویسندگان در هر مقاله

درصد	فراوانی	ارزیابی به لحاظ تعداد نویسندگان
۲۱.۱	۴	منفرد
۴۲.۱	۸	دو نفره
۳۶.۸	۷	بیش از دو نفر

## ۲. ویژگی‌های محتوایی و روشی آثار وارد شده به فرا تحلیل

در بحث ویژگی‌های محتوایی پژوهش‌های وارد شده به فرا تحلیل از ابعاد مختلف محتوایی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند که توضیحات در ادامه، گزارش این ارزیابی است.

برای بررسی محتوایی، ۱۹ ویژگی پژوهش‌های وارد شده به فرا تحلیل با استفاده از یک طیف بین ضعیف تا خوب مورد ارزیابی قرار گرفته است. مشاهده درصد‌های مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد، ۱۰ ویژگی از متوسط به بالا ارزیابی شده است. که یکی میزان رعایت تناسب عنوان و موضوع و دیگری ارتباط بین طرح مسئله و اهداف و... است. همچنین در مجموع ۲ ویژگی تعریف مفهومی و عملیاتی ضعیف است. ۷ ویژگی نیز در حد متوسط به دست آمده است.

(جدول شماره ۸): توزیع نسبی ارزیابی از ویژگی‌های محتوایی آثار وارد شده به فرا تحلیل

نتیجه ارزیابی	نوع ارزیابی			عنوان ارزیابی
	خوب	متوسط	ضعیف	
خوب	۵۰	۵۰	۰	میزان رعایت تناسب بین عنوان و موضوع
متوسط	۲۷.۸	۶۱.۱	۱۱.۱	میزان استحکام بیان مسئله
متوسط	۳۸.۹	۵۵.۶	۵.۶	میزان تناسب روش با اهداف
متوسط	۳۳.۳	۴۴.۴	۲۲.۲	میزان استحکام سؤال یا سؤالات اساسی طرح شده
خوب	۷۲.۷	۱۸.۲	۹.۱	میزان استحکام فرضیه یا فرضیه‌ها
خوب	۴۵.۵	۴۵.۵	۹	طرح فرضیه‌ها با رویکرد بدیع و نو
خوب	۸۰	۲۰	۰	قابلیت آزمون فرضیه‌ها
خوب	۵۵.۶	۳۸.۹	۵.۶	رعایت تناسب و تناظر بین سؤالات و اهداف
خوب	۶۱.۱	۳۳.۳	۵.۶	ارتباط بین طرح مسئله و اهداف
خوب	۶۳.۶	۳۶.۴	۰	ارتباط بین طرح مسئله و فرضیه‌ها

ارتباط طرح مسئله و سؤالات	۵.۶	۵۵.۶	۳۸.۹	متوسط
مرور ادبیات و پیشینه مطالعه صورت گرفته	۲۷.۸	۲۲.۲	۵۰	خوب
میزان برخورداری اثر از چارچوب نظری	۱۶.۷	۵۰	۳۳.۳	متوسط
میزان ارتباط چارچوب نظری با مبانی نظری	۸.۳	۵۰	۴۱.۷	متوسط
میزان ارتباط چارچوب نظری با سؤالات و فرضیه‌ها	۸.۳	۴۱.۷	۵۰	خوب
میزان ارتباط چارچوب نظری با اهداف	۵۰	۱۰	۴۰	خوب
میزان ارتباط مدل تحلیلی با چارچوب و مبانی نظری	۲۲.۲	۶۱.۱	۱۶.۷	متوسط
تعریف مفهومی	۵۵.۶	۲۷.۸	۱۶.۷	ضعیف
تعریف عملیاتی و شاخص سازی	۶۴.۷	۱۱.۸	۲۳.۵	ضعیف

نتایج جدول ۹ حاکی از آن است که پرکاربردترین روش در آثار موردبررسی، پیمایش بوده است به طوری که از ۱۹ پژوهش مورد استفاده، ۱۴ پژوهش (۷۳.۶۸ درصد) با این روش مطالعه شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های وارد شده به فراتحلیل از روش کمی استفاده کرده‌اند. به لحاظ سطح مطالعه ۱۶ پژوهش (۸۴.۲۲ درصد) به صورت ترکیبی از توصیف و تبیین بوده‌اند و از سطح اکتشاف فراتر رفته‌اند. نتیجه دیگر حاکی از آن است که ابزار و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات نیز، اغلب از تکنیک پرسشنامه (۴۲.۱۰ درصد) و ترکیبی از مصاحبه و اسناد (۲۶.۳۱ درصد) استفاده شده است. به لحاظ روش نمونه‌گیری در ۱۶ پژوهش (۸۴.۲۱ درصد) از روش‌های احتمالی استفاده شده است و در ۳ پژوهش دیگر (۱۵.۷۹ درصد) از روش غیر احتمالی استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها در ۱۵ تحقیق (۷۸.۹۴ درصد) از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. اعتبار ۸ پژوهش (۴۲.۱۰ درصد) و روایی ۱۰ پژوهش (۵۲.۶۳ درصد) از پژوهش‌های وارد شده به فراتحلیل سنجیده شده است.



(جدول شماره ۹): توزیع فراوانی ارزیابی از نوع روش و تکنیک مورد استفاده در آثار وارد شده به فرا تحلیل

ویژگی روش	نوع	تعداد مقالات	درصد	
روش مطالعه	اسنادی- تاریخی	۲	۱۰.۵۲	
	پیمایشی	۱۴	۷۳.۶۸	
	مشاهده مشارکتی	۱	۵.۲۶	
	تلفیق نوع اول و دوم	۱	۵.۲۶	
	تحلیل محتوا	۱	۵.۲۶	
	مجموع	۱۹	۱۰۰	
	نوع مطالعه بر اساس هدف	توصیفی	۳	۱۵.۷۸
		توصیفی و تبیینی	۱۶	۸۴.۲۲
		مجموع	۱۹	۱۰۰
ابزار و تکنیک گردآوری داده‌ها	پرسشنامه	۸	۴۲.۱۰	
	مصاحبه	۱	۵.۲۶	
	پرسشنامه معکوس	۲	۱۰.۵۲	
	تلفیقی از تکنیک‌ها	۳	۱۵.۷۸	
	مصاحبه و اسناد	۵	۲۶.۳۱	
	مجموع	۱۹	۱۰۰	
	روش نمونه‌گیری	احتمالی تصادفی ساده	۹	۴۷.۳۶
		احتمالی سیستماتیک	۵	۲۶.۳۱
		احتمالی چندمرحله‌ای	۲	۱۰.۵۲
غیر احتمالی		۳	۱۵.۷۸	
مجموع		۱۹	۱۰۰	
سطح تجزیه و تحلیل داده‌ها		آمار توصیفی	۳	۱۵.۷۸
	آمار استنباطی و پیشرفته	۱	۵.۲۶	
	توصیفی و استنباطی	۱۵	۷۸.۹۴	
	مجموع	۱۹	۱۰۰	
	روش‌های اعتبار سنجی	انجام پیش‌آزمون بر روی گردآوری داده‌ها	۵	۲۶.۳۱
تائید و اثبات اعتبار ابزار گردآوری داده‌ها		۸	۴۲.۱۰	
روش‌های پایایی سنجی	انجام پایایی ابزار گردآوری داده‌ها	۱۰	۵۲.۶۳	
	مجموع	۱۹	۱۰۰	

## ۳. ویژگی‌های ساختاری و نظری پژوهش‌های وارد شده به فرا تحلیل

بر اساس جدول شماره ۱۰، پنج ویژگی ساختاری وارد شده به فراتحلیل به وسیله یک طیف بین ضعیف تا خوب مورد بررسی قرار گرفته است. اغلب این پژوهش‌ها از نظر ویژگی‌های ساختاری متوسط هستند و پژوهش‌ها از نظر ارتباط بین مباحث نظری و داده‌های میدانی در حد ضعیف ارزیابی شده است.

(جدول شماره ۱۰): توزیع نسبی از ویژگی‌های ساختاری و نظری پژوهش‌ها

نتیجه ارزیابی	نوع ارزیابی			عنوان ارزیابی
	خوب	متوسط	ضعیف	
ضعیف	۴۱/۲	۵۲/۹	۵/۹	ارتباط بین مباحث نظری و داده‌های میدانی
متوسط	۲۰/۰	۶۰/۰	۲۰/۰	ارتباط بین راهکارها و اهداف
متوسط	۱۶/۷	۵۸/۰	۲۵/۰	ارتباط بین مدل تحلیلی و راهکارها و نتایج
متوسط	۱۶/۷	۵۰/۰	۳۳/۳	ارتباط بین چارچوب نظری با راهکارهای ارائه شده
متوسط	۲۸/۶	۴۲/۹	۲۸/۶	ارتباط بین سؤالات و راهکارهای پیشنهادی

در بررسی وضع استفاده هر یک از نظریه‌ها در پژوهش‌های وارد شده به فراتحلیل مشخص شد که در حدود ۵۶.۱۰ درصد تحقیقات در سطح خرد و ۴۳.۹ درصد تحقیقات در سطح کلان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی، نظریه مبادله و همسان همسری با ۱۲.۱۹ درصد بیشتر از سایر نظریه‌ها به کار برده شده است. همچنین نظریه‌های شبکه با ۹.۷۵ درصد و نظریه‌های نیاز - انتظار، آنومی و بحران وجدان جمعی با ۷.۳۱ درصد در مراتب بعدی قرار دارند.





(جدول شماره ۱۱): وضع استفاده هر یک از نظریه‌ها در پژوهش‌های وارد شده به فرا تحلیل

نظریه	وضعیت استفاده در مقالات	درصد	فراوانی	درصد
خرد	مبادله	۵	۲۳	۱۲.۱۹
	شبکه	۴		۹.۷۵
	همسان همسری	۵		۱۲.۱۹
	نیاز- انتظار	۳		۷.۳۱
	توسعه خانواده	۱		۲.۴۳
	نقش‌ها	۱		۲.۴۳
	کنش متقابل نمادین	۱		۲.۴۳
	جامعه‌پذیری	۱		۲.۴۳
	کاشت	۱		۲.۴۳
	تسری	۱		۲.۴۳
کلان	قشر بندی اجتماعی	۱	۱۸	۲.۴۳
	بحران ارزش‌ها	۲		۴.۸۷
	تصورات اجتماعی	۱		۲.۴۳
	انحرافات اجتماعی	۱		۲.۴۳
	آنومی	۳		۷.۳۱
	بحران وجدان جمعی	۳		۷.۳۱
	نظام‌ها	۲		۴.۸۷
	فمینیستی	۱		۲.۴۳
	سرمایه اجتماعی	۱		۲.۴۳
	نظم	۱		۲.۴۳
کارکردگرایی ساختاری	۱	۲.۴۳		
تغییرات اجتماعی	۱	۲.۴۳		
مجموع	۴۱		۴۱	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۱۲ در پژوهش‌های وارد شده به فرا تحلیل دیدگاه ۱۷ نظریه‌پرداز در مورد مسئله طلاق مورد بررسی قرار گرفته شده است که از این میان بیشترین استفاده از نظریه‌های

دورکیم با (۱۶.۶۶ درصد) و نظریه هیل و باورمن (۱۳.۳۳ درصد) در زمینه همسان همسری بوده است. همچنین (۳۳.۳۳ درصد) تحقیقات بر اساس نظریات کلاسیک و (۶۶.۶۷ درصد) نظریات بر اساس نظریه‌های مدرن ارائه شده است.

(جدول شماره ۱۲): سهم هر یک از صاحب نظران در پژوهش‌های وارد شده به فرا تحلیل

صاحب نظران	وضعیت استفاده از نظریه	درصد	فراوانی	درصد
مارکس	۱	۳.۳۳	۱۰	۳۳.۳۳
دورکیم	۵	۱۶.۶۶		
پارسونز	۲	۶.۶۶		
مرتین	۱	۳.۳۳		
کلاسیک هومنز	۱	۳.۳۳		
وود	۱	۳.۳۳	۲۰	۶۶.۶۷
دنيس جودله	۱	۳.۳۳		
اليزابت بات	۲	۶.۶۶		
گيدنز	۲	۶.۶۶		
برنارد	۱	۳.۳۳		
گروبرگ	۱	۳.۳۳		
هومنز	۱	۳.۳۳		
گرينر	۱	۳.۳۳		
مدرن هیل	۴	۱۳.۳۳		
باورمن	۴	۱۳.۳۳		
بکر	۱	۳.۳۳	۳۰	۱۰۰
لوينگر	۱	۳.۳۳		
مجموع		۱۰۰		

ب) بررسی مهم‌ترین فرضیات تأیید شده در پژوهش‌های انجام شده از مجموع ۱۹ مقاله وارد شده به فراتحلیل ۴۳ فرضیه استخراج شده است که به چهار دسته اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، روان‌شناختی و فردی تقسیم‌بندی شده است.



(جدول شماره ۱۳): توزیع فرضیه‌های پژوهش‌های فراتحلیل

فرضیه‌ها

وجود رابطه مثبت دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر

بیشتر بودن میزان همسانی زوجینی زنان غیر متقاضی طلاق از میزان همسانی زوجینی زنان متقاضی طلاق

معنادار بودن گرایش زنان به طلاق و اعتیاد یا مصرف مشروبات الکلی

معنادار بودن گرایش زنان به طلاق و خشونت همسر

رابطه مثبت و مستقیم نگرش مثبت به طلاق و پیامدهای آن با میزان تقاضای طلاق در زنان

وجود تفاوت معناداری در میانگین میزان ارزش‌های سنتی در بین مردان در حال طلاق در قبل و بعد از ازدواج

وجود تفاوت معناداری در میانگین میزان ارزش‌های مدرن در بین زنان در حال طلاق در قبل و بعد از ازدواج

وجود تفاوت معناداری در میانگین میزان ارزش‌های مدرن در بین مردان در حال طلاق در قبل و بعد از ازدواج

وجود تفاوت معناداری در وضعیت تطابق ارزش‌های زوجین با یکدیگر در بین دو گروه موردبررسی و میزان طلاق

وجود تفاوت معناداری در میانگین میزان ارزش‌های مدرن در گروه در حال طلاق برحسب محل سکونت

وجود تفاوت معناداری در سبک انتقال ارزش‌ها توسط خانواده در بین دو گروه در حین طلاق و عادی

وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان به طلاق و برآورده شدن انتظارات از نقش همسری

رابطه مستقیم بین میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان گرایش به طلاق

بیشتر بودن سرمایه اجتماعی زنان غیر متقاضی طلاق از سرمایه اجتماعی زنان متقاضی طلاق

بیشتر بودن سرمایه فرهنگی زنان غیر متقاضی طلاق از سرمایه فرهنگی زنان متقاضی طلاق

بیشتر بودن میزان شاخص نظم در درون خانواده در بین زنان غیر متقاضی طلاق از میزان این شاخص در زنان متقاضی طلاق

رابطه مثبت اختلاف فرهنگی ناشی از عدم تفاهم نگرش‌ها و ارزش‌های زوجین بر افزایش طلاق	
طلاق در طبقات پایین بیشتر ناشی از فاصله نقش‌هاست	
طلاق در هر سه طبقه پایین و متوسط و بالا بیشتر ناشی از سبک زندگی است.	
طلاق در طبقات متوسط بیشتر ناشی از تفاوت فرهنگی است	
پایبندی دینی بیشتر زنان غیر متقاضی طلاق نسبت به زنان متقاضی طلاق	
وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان به طلاق و ازدواج اجباری	
وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان به طلاق و تفاوت سنی زوجین	
وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان به طلاق و تفاوت عقاید زوجین	
وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان/زوجین به طلاق و تفاوت تحصیلات زوجین	فردی
وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان به طلاق و ناباروری	
وجود رابطه معنادار بین میزان گرایش زنان به طلاق و عدم صداقت همسر	
رابطه مثبت مشکلات اقتصادی عدم تأمین مایحتاج و تشدید اختلافات زناشویی با افزایش طلاق	اقتصادی
رابطه مثبت اشتغال زنان و استقلال مالی آن‌ها با افزایش طلاق	
طلاق در طبقات پایین ناشی از عدم توانایی مخارج زندگی است	
وجود رابطه بین عوامل احساسی زوج‌ها با ناسازگاری و طلاق	روان‌شناختی
وجود رابطه بین آرمان‌گرایی زوج‌ها با ناسازگاری و طلاق	

ج) شناخت علل مؤثر بر پیدایش و گسترش طلاق بر اساس پژوهش‌های وارد شده به فراتحلیل با توجه به ۱۹ مقاله‌ای که مورد فراتحلیل قرار گرفتند ۲۸ عامل برای پیدایش، بروز و گسترش طلاق به دست آمده است. علل مؤثر بر پیدایش و گسترش طلاق بر اساس پژوهش‌های وارد شده به فراتحلیل به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی شده که بیشترین سهم مربوط به علل اجتماعی و فرهنگی با (۵۷.۹) فردی و روانی با (۳۰.۵۲) و اقتصادی با (۱۱.۵۷) درصد است.

در درون هر یک از تقسیم‌بندی‌ها و به‌طور جزئی‌تر از میان عوامل ذکر شده برای طلاق، عامل مداخله اقوام و اطرافیان در زندگی زوجین بیشترین عاملی بوده که حدود ۱۱.۵۷ درصد (۱۱ تحقیق) از آن به‌عنوان عامل مؤثر بر طلاق تأکید کرده‌اند. پس از مداخله اقوام و اطرافیان به‌عنوان



یکی از عوامل مهم در پیدایش و گسترش طلاق، بیکاری و مشکل امرار معاش دومین عاملی است که در ۱۰.۵۲ درصد از تحقیقات به عنوان علت پیدایش و گسترش طلاق در پژوهش فراتحلیل حاضر استخراج شده است. عامل اعتیاد زن یا شوهر و الکلیسم با ۹.۴۷ درصد سومین علت طلاق در تحقیقات مورد بررسی است. همچنین سه عامل تفاوت ارزش‌ها و عدم تفاهم با ۸.۴۲ درصد، اختلاف تحصیلی زوجین و خشونت همسر با ۶.۳۱ درصد چهارمین و پنجمین علتی می‌باشند که در تحقیقات مورد بررسی از آن‌ها به عنوان علت بروز و گسترش طلاق یاد شده است. در ادامه عوامل دیگری چون: اختلاف سن، نبودن فرهنگ گفت‌وگو، ازدواج تحمیلی، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، ناهمسانی زوجین، توقعات نابجای همسری، کمبود مهارت‌های زندگی در رتبه‌های بعدی علل طلاق قرار می‌گیرند. فهرست عوامل مؤثر بر بروز و گسترش طلاق به طور کامل در جدول زیر آمده است.

(جدول شماره ۱۴): توزیع مهم‌ترین علل مؤثر بر طلاق

* علت‌ها	فراوانی درصد	فراوانی درصد
مداخله اقوام و اطرافیان	۱۱	۱۱/۵۷
اعتیاد زن یا شوهر و الکلیسم	۹	۹/۴۷
تفاوت ارزش‌ها و عدم تفاهم	۸	۸/۴۲
نبودن فرهنگ گفت‌وگو بین خانواده‌ها و مشکلات ارتباطی	۵	۵/۲۶
ازدواج تحمیلی و سنت‌های غلط	۴	۴/۲۱
تصور مثبت از پیامدهای طلاق	۳	۳/۱۵
ناهمسانی زوجین	۳	۳/۱۵
کمبود مهارت‌های زندگی	۳	۳/۱۵
برآورده نشدن انتظارات همسری	۲	۲/۱۰
توقعات نابجای زوجین	۳	۳/۱۵
تضاد ارزشی بر اثر وسایل ارتباط جمعی جدید چون ماهواره	۱	۱/۰۵
نقش خانواده در امر جامعه‌پذیر کردن و انتقال درست ارزش‌ها	۱	۱/۰۵

اجتماعی و فرهنگی

۵۷/۹ ۵۵

			۱	۱/۰۵	تفاوت تربیتی
			۱	۱/۰۵	زمینه‌های قومی
			۱۰	۱۰/۵۲	بیکاری و مشکل امرار معاش
۱۱	۱۱/۵۷		۱	۱/۰۵	وضع مالی والدین به‌عنوان حامیان طلاق
			۱	۱/۰۵	عدم مسئولیت‌پذیری
			۱	۱/۰۵	میزان آشنایی با یکدیگر
			۱	۱/۰۵	فساد اخلاقی
			۱	۱/۰۵	روابط جنسی خارج از خانه
			۱	۱/۰۵	تفاوت ویژگی شخصیتی
			۱	۱/۰۵	عدم صداقت و عدم مشورت در امور
۲۹	۳۰.۵۲				زندگی فردی و روانی
			۱	۱/۰۵	سابقه دوستی و ارتباط قبل از ازدواج
			۲	۲/۱۰	داشتن زن دیگر
			۶	۶/۳۱	خشونت همسر
			۳	۳/۱۵	بیماری جنسی یا روانی همسر
			۶	۶/۳۱	اختلاف تحصیلی زوجین
			۵	۵/۲۵	اختلاف سن
۹۵	۱۰۰		۹۵	۱۰۰	مجموع *

د) شناخت مهم‌ترین راهکارهای حل مسئله از دیدگاه مطالعات انجام‌شده از مجموع مقالات این فراتحلیل، ۲۸ راهکار برای کاهش نرخ طلاق و جلوگیری از آثار نامناسب آن استخراج شده است. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهشی طرح‌ها بر پایه دسته‌بندی و ترکیب راهکارهای مطرح‌شده و نهایتاً ارائه منسجم از یافته‌های پراکنده طرح‌ها یکی از اهداف این مطالعه و از خصوصیات اصلی فراتحلیل است. راهکارهای ارائه‌شده در تحقیقات را می‌توان بر اساس خطاب راهکارها به نهادها و دستگاه‌های اجرایی گروه‌بندی کرد. با توجه به این که تعداد راهکارهای مربوط به هر نهاد زیاد بوده سعی شده است راهکارهای مختلف به‌نوعی مقوله‌بندی و تلخیص گردد:



راهکارها به چهار دسته راهکارهای مربوط به نهادهای اجتماعی و فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و حمایتی، قانون‌گذار و نظارتی تقسیم‌بندی شده است. از مجموع راهکارهای ارائه‌شده ۴۴.۴۲ درصد راهکارها مربوط به نهاد آموزشی است که بیشترین فراوانی (۳ مورد) ۱۰.۷۱ درصد از آن مربوط به افزایش مهارت و دانش ارتباطی مردان و زنان و ارائه آموزش‌های نظری و عملی به آن‌ها به‌منظور کسب آگاهی از جنس مخالف و پرهیز از به‌کارگیری کلیشه‌های جنسیتی است. راهکار دومی که در قسمت نهاد آموزشی درصد بیشتری (۷.۱۴ درصد) را نسبت به دیگر راهکارها به خود اختصاص داده است شامل ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای روانی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی طلاق به‌منظور جلوگیری از اخذ تصمیمات فوری و توسعه مراکز مشاوره قبل از ازدواج و آموزش قبل از ازدواج است.

راهکارهای مربوط به نهادهای اجتماعی و فرهنگی با ۴۲.۸۵ درصد در مرتبه بعد از راهکارهای مربوط به نهاد آموزشی قرار دارد. راهکار مربوط به نهاد اجتماعی و فرهنگی خود به دو دسته خانواده (۳۲.۱۴ درصد) و صداوسیما (۱۰.۷۱ درصد) تقسیم‌بندی شده است. بیشترین راهکار در حوزه خانواده مربوط به کم کردن پدرسالاری با فراوانی ۲ (۷.۱۴ درصد) است. راهکارهای مربوط به نهاد قانون‌گذار و نظارتی با (۷.۱۴ درصد) و راهکار مربوط به نهاد اقتصادی و حمایتی با (۳.۵۷ درصد) در مرتبه سوم و چهارم قرار دارند.

## (جدول شماره ۱۵): توزیع راهکارهای کاهش طلاق

درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	علتها	نهادهای			
۵۷.۸۵	۱۱	۳۲.۱۴	۱	۳.۵۷	پرهیز خانواده‌ها از دخالت بدون آگاهی در زندگی فرزندان. طراحی زمینه‌های عملی کاهش حضور و دخالت اطرافیان	خانواده		
			۲	۷.۱۴	کم کردن پدرسالاری در خانواده			
			۱	۳.۵۷	توجه به سن مناسب ازدواج			
			۱	۳.۵۷	پرهیز از ازدواج سرسری			
			۱	۳.۵۷	افزایش نظم درون خانواده (همگامی - همفکری و همدلی)			
			۱	۳.۵۷	در همسرگزینی علاوه بر مسائل اقتصادی - تحصیل و درآمد به پاره فرهنگ‌های یکدیگر توجه نمایند.			
			۱	۳.۵۷	باید به زنان فرصت داد تا راه زندگی‌شان را خود انتخاب کنند و از تسلط مردان خارج شوند.			
			۱	۳.۵۷	بررسی همسانی فرهنگی - اجتماعی و مذهبی و ارتقا آگاهی در این عرصه			
		۱۰.۷۱	۱	۳.۵۷	ترویج فرهنگ مراجعه خانواده‌ها به مرکز مشاوره در صداوسیما	صداوسیما		
			۱	۳.۵۷	آموزش نحوه درست استفاده کردن از وسایل همچون ماهواره			
			۱	۳.۵۷	افزایش سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد)			
		۴۴.۳۸	۱۳		۱	۳.۵۷	فراگیر کردن فرهنگ گفت‌وگو بین خانواده	نهادهای آموزشی
					۱	۳.۵۷	در نظر گرفتن سازمان یا مرجعی جهت تمرکز نموده بر مسائل خانواده	
۱	۳.۵۷				شناخت ارزش‌ها و الگوهای طرف مقابل قبل از ازدواج			
۲	۷.۱۴				توسعه مراکز مشاوره قبل از ازدواج و آموزش قبل از ازدواج			





		۱۰۷۱	۳	افزایش مهارت و دانش ارتباطی مردان و زنان و ارائه آموزش‌های نظری و عملی به آن‌ها به منظور کسب آگاهی از جنس مخالف و پرهیز از به کارگیری کلیشه‌های جنسیتی	
		۷۱۴	۲	ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای روانی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی طلاق به منظور جلوگیری از اخذ تصمیمات فوری	
		۳۵۷	۱	تصحیح نگرش‌ها در زمینه طلاق به طوری که پیامدهای آن بازگو شود	
		۳۵۷	۱	آشنایی زوجین با اصول رفتارهای جنسی	
		۳۵۷	۱	آموزش والدین نسبت به روحیات جوانان	
۳۵۷	۱	۳۵۷	۱	بیکاری جدی گرفته شود و با اصلاح ساختار اقتصادی - رونق در تولید - آموزش‌های مختلف کارپایی و کارآفرینی با حمایت جدی دولت این مشکل کاهش یابد	نهادهای اقتصادی و حمایتی
۷۱۴	۲	۳۵۷	۱	قبل از هرگونه تشکیل پرونده قانونی ملزم به استفاده از مشاوره توسط افراد متخصص شوند و سپس اجازه تشکیل پرونده به آن داده شود	نهاد قانن‌گذار و نظارتی
		۳۵۶	۱	توجیه مسئولین نظام قضایی کشور به منظور همکاری با پژوهشگران اجتماعی تا بتوان با بررسی آن‌ها به شناخت مشکل و ارائه راه‌حل آن پرداخت.	
۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۲۸	مجموع	

### بحث و نتیجه‌گیری

طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص، قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکلیفی ندارند. پژوهش‌های متعددی نشان‌دهنده آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی طلاق برای زنان و مردان مطلقه،

فرزندان طلاق و اجتماع است. طلاق همان‌طور که بر جامعه آثار شوم بر جای می‌گذارد، تعادل انسان‌ها را ناپایدار می‌سازد. طلاق باعث ازهم‌پاشیده شدن کانون گرم خانواده می‌شود و همبستگی بین زن و مرد را می‌گسلد. در بحث عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان گفت عوامل مؤثر بر طلاق متعدد است؛ اما در اینجا مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل موجود در تحقیقات مورد بررسی اشاره می‌شود. در این جمع‌بندی مقایسه‌ای بین یافته‌های به دست آمده از تحقیقات داخلی در مقایسه با تحقیقات جهانی نیز خواهیم داشت.

بر اساس تحلیل پژوهش‌های مورد بررسی در زمینه طلاق، علل به چهار دسته کلی تقسیم شده‌اند. از عوامل مهمی که در نتایج، فرا تحلیل به آن رسیده است ویژگی‌های خانواده و خانوادگی زوجین و نقش آنان در مسئله طلاق است. در تحقیقات جهانی نیز مشکلات و به‌ویژه خشونت خانوادگی به‌عنوان عاملی مؤثر به‌ویژه در رواج تقاضای طلاق در میان زنان نشان داده شده است. برخی مصادیق خشونت خانوادگی که در این بررسی‌ها به آن اشاره شده است شامل عصبانی بودن همسر، فحاشی همسر، بدبینی، کتک زدن همسر، به کار بردن کلمات نامناسب در ارتباط و مشاجرات لفظی، عدم همدلی، توافق و مشورت در امور زندگی است (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۵۱)؛ اما عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر طلاق در نتایج فرا تحلیل عبارت‌اند از:

۱- مداخله نابجای خانواده و اقوام در زندگی زوجین: در سطح اجتماعی رایج‌ترین عامل مؤثر بر طلاق در مقالات مورد بررسی دخالت نابجای خانواده و اقوام ذکر شده است. دختر و پسری که سال‌ها نزد خانواده و بستگان خود تحت کنترل و کفالت آن‌ها به سر برده‌اند اکنون که می‌خواهند در نقش جدید زن و شوهر زندگی جدیدی را آغاز کنند در ابتدا همراه با وابستگی به خانواده و تأثیر و نفوذ خانواده می‌باشند. اگر این وضع تا مدت طولانی ادامه یابد ضررهای ناشی از آن دوام ازدواج را تهدید می‌کند این‌گونه وابستگی‌ها باعث عدم استقلال زن و مرد در زندگی مشترک و تضعیف موقعیت آن‌ها در زندگی شده منجر به بروز نابسامانی‌هایی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های زندگی گشته و عدم امنیت فکری و آرامش روحی را به دنبال داشته و سرانجام منجر به طلاق می‌گردد (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۱۰).



۲- نقش خانواده در جامعه‌پذیر کردن و انتقال درست ارزش‌ها: امروزه کارگزاران جامعه‌پذیری بسیار متنوع می‌باشند. در میان این کارگزاران خانواده می‌تواند با سبک تربیتی و انتقالی خود و سیاست‌گذاری مناسب بسیار مهم جلوه کند. در واقع پیامدهای منفی بسیاری از کارگزاران جدید جامعه‌پذیری را می‌توان با انتقال صحیح ارزش‌ها و هنجارها توسط خانواده به‌طور فراوانی کاهش داد؛ اما در نقطه مقابل اگر خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کارگزاران جامعه‌پذیری نتواند نقش خود را به‌خوبی به انجام رساند شاهد بسیاری از آسیب‌ها از جمله طلاق هستیم.

۳- ازدواج تحمیلی و سنت‌های غلط: ازدواج‌های تحمیلی را می‌توان سلب حق مشروع در گزینش همسر دانست. در واقع می‌توان آن را نوعی تضییع حق انتخاب در افراد دانست. والدین با تحمیل ازدواج بر فرزندان علاوه بر خسارت مادی، روحی و جسمی نیز به آن‌ها وارد می‌کنند که این خود عاملی برای جدایی و طلاق و جدایی زوجین است. این عامل خود می‌تواند زمینه‌ساز علل دیگر طلاق (عدم برآورده شدن انتظارات، عدم تفاهم و...) شود.

بعد از عامل دخالت اقوام و والدین در بروز طلاق دومین عاملی که نتایج فراتحلیل به‌عنوان عامل تأثیرگذار و مهم در بروز و گسترش طلاق بدان رسیده است. بحث بیکاری، مشکلات مالی و امرارمعاش بوده است. آنگاه که سخن بر سر وضع اقتصادی انسان‌ها است باید پذیرفت که شرایط سخت معیشت باز بر تعادل روانی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و در این میان واکنش انسان‌ها در برابر پیوند خانوادگی از آن بی‌تأثیر نمی‌ماند (سوروکین، ۱۹۹۷). مکانیسم این تأثیرگذاری چنین است که افراد بیکار، میزان کمتری از تفاهم، ارتباط و نظم در روابط خانوادگی با همسر خود دارند. دوران سخت و محرومیت اقتصادی، تعاملات مثبت زوجین (خاصه مردان) را کاهش و آنان را به سمت طلاق سوق می‌دهد. این موضوع، به‌ویژه در اوایل زندگی زناشویی، که هنوز امکانات مناسب برای زندگی فراهم نیست، مصداق بیشتری دارد. چه بسا بسیاری از رفتارهایی که زوجین (به‌خصوص مردان) در چنین موقعیت‌هایی از خود بروز می‌دهند، ریشه در فشار اقتصادی دارد و چون آن‌ها امکانات و منابع لازم برای مواجهه مثبت با این فشار را ندارند، مرتکب چنین رفتارهایی می‌شوند (کتابی و نازک تبار، ۱۳۹۰: ۱۱۹). اهمیت این عامل در تحقیقات خارجی نیز بیان شده است. از جمله وامارتین و بومباس (۱۹۸۹) و یدانوف (۱۹۹۰)، استوراسلی و مارکمن (۱۹۹۰)، کوردک (۱۹۹۳) و وستمن و دیگران (۲۰۰۴) در تحقیقاتی که

انجام داده‌اند مشکلات مالی و اقتصادی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اختلافات زناشویی نشان داده‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲). همچنین درآمد والدین به‌عنوان حامیان طلاق از دیگر عوامل اقتصادی در امر علل طلاق بوده است.

از عوامل مؤثر دیگری که برای طلاق توسط زوجین بیان شده است بحث ویژگی‌های روانی و فردی است. پژوهش‌های خارجی همچون کوردک (۱۹۹۳)، بوچارد و لوزیر (۱۹۹۹) نشان داده‌اند که به‌طورکلی ویژگی‌های شخصیتی و فردی افراد پیش‌بین سازگار بودن زناشویی است. والس نیز (۱۹۹۹) نیز با استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت به بحث ویژگی‌های شخصیتی افراد در این امر پرداخته‌اند که پیش‌بینی کننده سازگاری یا عدم سازگاری می‌شود (شکر کن و همکاران، ۱۳۸۵: ۴). طبق ارزیابی پژوهش‌ها در تحقیق حاضر تحصیلات، یکی از عوامل فردی (زمینه‌ای) مؤثر بر طلاق است. تحقیقات جهانی نیز بر وجود رابطه منفی میان سطح تحصیلات زوجین و طلاق تأکید کرده‌اند. به‌طور نمونه، نتایج مطالعات مورگان و ریندفوش (۱۹۸۵) و بوم باس (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که خطر ازهم‌پاشیدگی ازدواج با سطح تحصیلات رابطه معکوس دارد و افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر کمتر متقاضی طلاق هستند. همچنین یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که موفقیت در ازدواج با سن و تحصیلات همبستگی مستقیم دارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). خشونت همسر، عامل دیگری است که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند در امر بروز و گسترش طلاق نقش مهمی را ایفا می‌کند. طبق تحقیقات انجام‌شده، خشونت در ابعاد گوناگون آن، یکی از فاکتورهای مهم افزایش طلاق در سطح جامعه است. خشونت و طلاق دارای رابطه دوسویه است که هر دو دارای تأثیراتی چون کاهش اعتمادبه‌نفس زنان، رواج ترس و نگرانی دائمی بین آن‌ها در مقابله و رویارویی با مشکلات، افزایش میزان انحرافات، آمار کودکان طلاق، آسیب‌های ناشی از عدم نظارت تربیتی صحیح از جانب والدین به‌واسطه قرار داشتن در بحران رفتاری نسبت به فرزندان خود، درگیری محاکم قضایی و دادگاه‌های خانواده و دادگستری و پزشکی قانونی در نتیجه شکایت و دادخواهی زنان، رسیدگی به پرونده‌های تشکیل‌شده در محاکم قضایی که خود نیز آسیب‌های جدی دیگر را به همراه دارد گوشه‌هایی از پیامدهای منفی طلاق ناشی از خشونت در خانواده است (سیف زاده و قنبری برزیان، ۱۳۹۲: ۱۲۸).



## منابع

۱. اسحاقی، محمد و محبی، سیده فاطمه و پروین، ستار و محمدی، فریبرز (۱۳۹۱) سنجش عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳ صص: ۱۲۴-۹۷.
۲. آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۴) عوامل موثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، شماره ۲، صص: ۶۴-۲۱.
۳. ایزانلو بلال و حبیبی مجتبی (۱۳۸۹) کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش شناسی، تحقیقات علوم رفتاری شماره ۱ صص: ۸۲-۷۰.
۴. برنارد- پرویز (۱۳۶۹) درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشرنی.
۵. توسلی، غلامعباس و غیائی ندوشن، علی (۱۳۹۰) عوامل اجتماعی موثر بر طلاق طی دهه اخیر، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳، صص: ۴۹-۳۵.
۶. حبیب پور گتایی، کرم و نازک تبار، حسین (۱۳۹۰) عوامل طلاق در استان مازندران، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۵۳، صص: ۱۳۷-۸۷.
۷. رحیمی، حسین (۱۳۷۹) بررسی علل طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، شماره ۳۴-۳۳، صص: ۱۱۲-۱۰۰.
۸. ریاحی، محمد اسماعیل و علیوردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶) تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)، پژوهش زنان، شماره ۳، صص: ۱۳۰-۱۰۹.
۹. زرگر، فاطمه و نشاط دوست، حمیدرضا (۱۳۸۶) بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۱۱، صص: ۷۴۹-۷۳۷.
۱۰. سپهریان، فیروزه (۱۳۷۹) بررسی مقدماتی عوامل موثر بر طلاق و راههای پیش گیری از آن، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۵۶، صص: ۲۴-۱۷.
۱۱. شکرکن، حسین و خجسته مهر، رضا و عطاری، یوسفعلی و حقیقی، جمال و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۵) بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی در اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی، سال ۱۳، صص: ۳۰-۱.
۱۲. شهولی، کیامرث و رضایی فر، سلطانمراد (۱۳۹۰) بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده های شهرستان ایذه، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۱، صص: ۱۳۸-۱۱۳.
۱۳. صدر الاشرافی، مسعود و خنکدار طارسی، معصومه و شمخانی، اژدر و یوسفی افراشته، مجید (۱۳۹۱) آسیب شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن، مهندسی فرهنگی، شماره ۷۴-۷۳.
۱۴. صداقت، کامران و اسدیان، عقیل (۱۳۹۳) تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر طلاق، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۲، صص: ۱۱۶-۹۷.

۱۵. صادقی فسایی، سهیلا و ایثاری، مریم (۱۳۹۴) مطالعه جامعه شناختی سنخ های طلاق، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱، صص: ۱۵۶-۱۳۱.
۱۶. ظهیرالدین - علیرضا و خدایی فر- فاطمه (۱۳۸۳) بررسی نیمرخ های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه- فصلنامه علمی پژوهشی فیض- شماره ۲۸- صص: ۷-۱.
۱۷. عنایت، حلیمه و نجفی اصل، عبدالله و زارع صادق (۱۳۹۲) بررسی عوامل موثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر، فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، شماره ۳، صص: ۳۸-۱.
۱۸. غیاثی، پروین و معین، لادن و روستا، لهراسب (۱۳۸۹) بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده ی شیراز، شماره ۳، صص: ۷۷-۱۰۴.
۱۹. فاتحی دهقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد (۱۳۸۹) تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره صص: ۵۴-۱۳.
۲۰. فخرایی، سیروس و حکمت، شرمین (۱۳۸۹) عوامل اجتماعی موثر بر شدت طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت، زن و مطالعات خانواده، شماره ۷ صص: ۱۳۰-۱۲۰.
۲۱. قدسی، علی محمد و بلالی، اسماعیل و عیسی زاده، سعید (۱۳۹۰) بازدارنده ها و تسهیل کننده های ازدواج، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳، صص: ۸۵-۴۳.
۲۲. کاملی، جواد (۱۳۸۶) بررسی توصیفی علل و عوامل موثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳، صص: ۱۹۸-۱۸۰.
۲۳. کلانتری، عبدالحسین و روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه (۱۳۹۰) مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۵۳، صص: ۱۶۲-۱۲۹.
۲۴. کلدی، علیرضا و شعبانی، عین الله (۱۳۸۳) بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق شهر تبریز طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۷۹، فصلنامه جمعیت، شماره ۴۸ و ۴۷، صص: ۱۳۷-۱۲۰.
۲۵. مختاری، مریم و میرفردی، اصغر و محمودی، ابراهیم (۱۳۹۳) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۱، صص: ۱۵۷-۱۴۱.
۲۶. مشکى، مهدى و شاه قاسمى، زهره و دلشاد نوقاى، على و مسلم، علیرضا (۱۳۸۹) بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه ی شهرستان گناباد در سال های ۱۳۸۸-۱۳۸۷، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، شماره ۱، صص: ۴۵-۳۵.
۲۷. مهری، نادر (۱۳۹۰) فقر فرا تحلیل در پژوهش های علوم اجتماعی در ایران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۱، صص: ۱۷۰-۱۵۰.
۲۸. مدیری، فاطمه و رحیمی، علی (۱۳۹۵) اشتغال زنان - نشاط زناشویی و گرایش به طلاق (مورد مطالعه متاهلان شهر تهران)، زن در توسعه و سیاست، شماره ۴، صص: ۴۷۵-۴۵۱.
۲۹. نعیمی، محمد رضا (۱۳۹۰) تاثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان)، مجله تخصصی جامعه شناسی، شماره ۱، صص: ۲۱۱-۱۹۱.



۳۰. هنریان، مسعوده و یونسی، جلال (۱۳۹۰) بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی، شماره ۳، صص: ۱۵۳-۱۲۶.

### منابع انگلیسی

31. Agha Jani Mersa, M. (2005). Factors Affecting Divorce Based on Social Class, *Quarterly Journal of Sociology*, 2: 21-64(Text in Persian).
32. Bernardes, J. (1997). *Family studios: an introuction* (Ghazian, J.). Tehran: Ney Publications.
33. Dommaraju, P. & G. Jones (2011) "Divorce Trends in Asia", *Asian Journal of Social Science*, 39 (6): 725-750.
34. Enayat, H., Najafi Asl, A. & Zare, S. (2013). Study of Factors Influencing Early Divorce among Urban Bushehr Youth (Comparing Two Groups of Divorced and Not-Divorced), *Quarterly journal of contemporary sociological studies*, 3: 1-38(Text in Persian).
35. Es'haghi, M. & Mohebbi, S. F., Parvin, S., & Mohammadi, F. (2012). Evaluating Social Factors Affecting Women's Divorce Request in Tehran. *Women in Development and Politics*, 10(3): 97-124(Text in Persian).
36. Fakhraee, S. & Hekmat, Sh. (2010). Social factors affecting divorce rate by women in Sardasht, *Women and family studies*, 7: 120-130(Text in Persian).
37. Fatehi Dehaghani, A. & Nazari, A. (2010). Sociological Analysis of Factors Affecting Couples Orientation to Divorce in Isfahan Province, *Quarterly Journal of Social Studies*, 14-54(Text in Persian).
38. Gautier, Pieter A. & et al. (2009) "Sin City? Why Is the Divorce Rate Higher in Urban Areas?", *Scandinavian Journal of Economics*, 111 (3): 439-56.
39. Ghiasi, P., Moin, L. & Roosta, L. (2010). Study of social causes of divorce tendency among women referring to Shiraz family court, 3: 77-104(Text in Persian).
40. Ghodsi, A., Balali, E. & Isa Zade, S. (2011). Marriage Inhibitors and Facilitators, *Women's Strategic Studies*, 53: 43-85(Text in Persian).
41. Glass, G. v (1976). *Primary, Secondary and Meta\_Analysis*. Educational Research, 5.
42. Gonzalez, L. & et al. (2009) "The Effect of Divorce Laws on Divorce Rates in Europe", *European Economic Review*, 53 (2): 127-38.
43. Habib Pour Gotabi, K. & Nazok Tabar, H. (2011). Divorce factors in Mazandaran province, *Quarterly of the Social Cultural and Family Council*, 53:87-237(Text in Persian).
44. Honarian, M. & Younesi, J. (2016). The study of Divorce reasons in Tehran Family Courts, *Quarterly Journal of Clinical Psychology Studies*, 3: 126-153(Text in Persian).
45. Izanloo, B. & Habibi, M. (2010). Application of meta-analysis in social and behavioral research: A review of the advantages, bottlenecks, and methodology, *Behavioral Science Research*, 1: 70-82(Text in Persian).
46. Jose, A. & O'leary, K. D., Moyer & A. (2010) "Does Premarital Cohabitation Predict Subsequent Marital Stability and Marital Quality? A Meta- Analysis", *Journal of Marriage & Family*, 72(1): 105-116.
47. Kalantari, A., Roushan Fekr, P. & Javaheri, J. (2011). A Review of Three Decades of Research on the Causes of Divorce in Iran, *Journal of the Social Cultural Council of Women and Family*, 53:129-162(Text in Persian).
48. Kaldi, A. & Shabani, E. (2004). The study of some social factors affecting the divorce request among couples requesting divorce in Tabriz city in 2000-2001. *Journal of Polulation*, 47-48: 120-137(Text in Persian).

49. Kameli, J. (2007). A descriptive study of the causes and factors affecting the social harm of divorce in Iranian society according to available statistics and documents, *Journal of Danesh-e-Entezami*, 3:180-198(Text in Persian).
50. Kavas, S. (2010) Post Divorce Experience of Highly Educated and Professional Women, PhD Thesis, Department of Sociology, Middle East Technical University.
51. Krumrei, E. J. (2009) A Longitudinal Analysis of The Role of Religious Appraisals and Religious Coping in Adults' Adjustment to Divorce, Doctoral Dissertation, Bowling Green State University.
52. Kulik, J. A, & Kulik, C. L. C (1988). Meta\_Analysis: Historical Origins and Contemporary Practice. Paper Presented at The Annual Meeting of The American Educational Research Association, New Orleans. (ERICDocument Reproduction Service No. 297015).
53. Kurdek, L. A. (1993). Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of newly wed couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 221-242.
54. Mehri, N. (2011). The lack of Meta Analysis in Social Science Studies in Iran, *Journal of Social Research*, 11: 150-170(Text in Persian).
55. Meshki, M., Shah Ghasemi, Z., Delshad Noghaee, A. & Moslem, A. (2010). The Survey of Condition and Related Factors of Divorce from Divorced Couples' Viewpoint of Gonabad City in 2008, 2009, *Quarterly Journal of Gonabad University of Medical Sciences & Health Services*, 1: 35-45(Text in Persian).
56. Modiri, F. & Rahimi, A. (2016). Women's employment, marital happiness and tendency to divorce (Case study: Married people in Tehran), *Women in Development and Politics*, 4: 451-475(Text in Persian).
57. Mokhtari, M., Mirfardi, A. & Mahmoudi, E. (2014). A Study of Social Factors Influencing Tendency towards Divorce in Yasouj, *Applied Sociology*, 1: 141-157(Text in Persian).
58. Naeemi, M. (2016). The Impact of Family Interaction and Satellite on the Occurrence of Divorce (Case Study: Gorgan City), *Specialized Journal of Sociology*, 1: 191-211(Text in Persian).
59. Qingbin, W., Qin, Z. (2010) "China's Divorce and Remarriage Rates: Trends and Regional Disparities", *Journal of Divorce & Remarriage*, 51 (4): 257-267.
60. Rahimi, H. (2000). Study of the causes of divorce in Khorasan province, *Population Quarterly*, 33-34: 100-112(Text in Persian).
61. Riyahi, M., S., Ali Verdi Nia, A., Bahrami Kakavand, S. (2007). Sociological analysis of divorce tendency (case study of Kermanshah city), *Women's Studies*, 3: 109-130(Text in Persian).
62. Sadeghi Fasaee, S. & Isari, M. (2015). Sociological study of divorce types, *Social Problems of Iran*, 1: 131-156(Text in Persian).
63. Sadroshrafi, M., Khonakdar Tarosi, M., Shamkhani, A. & Yousefi Afrashte, M. (2011). Pathology of divorce (causes and factors) and strategies to prevent it, *Cultural Engineering*, 2: 73-74(Text in Persian).
64. Sandstrom, G. (2011) "Time-Space Trends in Swedish Divorce Behavior 1911-1974", *Scandinavian Journal of History*, 36 (1): 65-90.
65. Sedaghat, K. & Asadian, A. (2014). Sociological Explanation of Social Factors Effective on Divorce, *Applied Sociology*, 2: 07-116(Text in Persian).
66. Sepehrian, F. (2000). Preliminary Study of the Effective Factors on Divorce and its Prevention Methods, *Quarterly Journal of Mental Health*, 56: 17-24(Text in Persian).
67. Shahvali, K., & Rezaee Far, S. (2011). The Reasons of Conflict and Divorce in Izeh, *Cultural Community Studies*, 1:113-138(Text in Persian).
68. Shekar Kan, H., Khojaste Mehr, R., Attari, Y., Haghghi, J., & Shahni Yeylagh, M. (2006). Investigation of Personality Characteristics, Social Skills, Attachment Styles





- and Demographic Characteristics as Predictions of Success and Failure of Marital Relationship in Divorce-requesting couples and Normal Couples in Ahvaz, Journal of Educational Sciences and Psychology, 13: 1-30(Text in Persian).
69. Tavassoli, Gh. & Ghiasi Nodoushan, A. (2011). Social Causes of Divorce in Yazd Province in the Past Decade, Journal of Social Development Studies of Iran, 3(4): 35-49(Text in Persian).
70. Zahiroddin, A., R. & Khodaie, F. (2003). Personality inventory of individuals referring to Tehran Family Court for divorce, Feyz Quarterly Journal, 7(1): 1-7(Text in Persian).
71. Zargar, F., & Neshat Doost, H. (2007). Factors Affecting Divorce in Falavarjan, Quarterly





## Meta-analysis of studies about divorce in Iran

Ali asghar firozjaeyan<sup>1</sup>

Vahid janmohammadi largani<sup>3</sup>

Soheil sadeghi<sup>2</sup>

Tahereh lotfi<sup>4</sup>

### Abstract

Study of the issue of divorce and factors affecting this subject are of those issues that have drawn the intellectual community and especially sociologists' attention into this field in recent decades. There are few social phenomena as complicated as divorce. Divorce has an increasing impact on different aspects of human life. In this paper, 19 studies conducted on divorce over a time span of 15 years during 2002 to 2016 are Meta-analyzed by using systematic review method. This paper is divided into two main parts. In the first part, the methodology, content and structure of the studies are investigated. In the second part, the most significant causes of divorce and its solutions are considered. On a theoretical level, the results show that the studies mostly use micro-theories such as exchange and homogamy. Furthermore, in regards to factors affecting divorce, social factors such as interference of relatives and acquaintances, addiction, value incompatibilities, lack of mutual understanding and economic factors including unemployment and subsistence are statistically more prominent. The proposed solutions are classified into four categories; Socio-cultural institutions, educational institutions, economical and supportive institutions and legislature and regulatory institutions. Most solutions were devoted to the educational and domestic aspects. Decreasing the rate of divorce could be achieved by increasing the skill and knowledge of communication between men and women, detailed and expert elucidation of psychological, social, cultural and economic consequences of this social phenomenon to prevent rushed decision-making, and reducing patriarchy.

**Keywords:** Divorce, Meta-analysis, social factors, solutions.

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor in Social Sciences, University of Mazandaran

<sup>2</sup>. M.A in sociology, University of Hormozgan

<sup>3</sup>. M.A in sociology, University of Mazandaran

<sup>4</sup>. M.A in sociology, University of Mazandaran

Submit Date: 2017/4/22

Accept Date: 2017/11/13

DOI: 10.22051/jwfs.2017.15089.1438